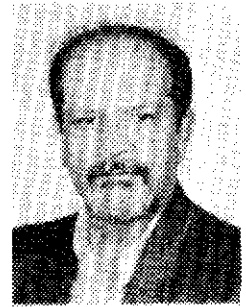


رسانه‌های مکتوب و مثلث زور و زر و تزویر

نوشته دکتر حسین ابوترابیان



جامعه توسعه یافته سیاسی و فرهنگی به جامعه‌ای می‌گویند که در آن اندیشه‌ها بی هیچ مانعی نقد شود و فضایی وجود داشته باشد که اندیشه افراد نه بصورت تعبدی، بلکه از طریق مباحث نقادانه شکل بگیرد. در چنین جامعه‌ای طبعاً دیدگاه‌های گوناگون هم تا جایی رشد می‌کند و پیش می‌رود که مواجه با اندیشه‌ای مقبول‌تر و منصفانه‌تر و مسدول‌تر و عالمانه‌تر از خود نشده باشد. چراکه به دلیل حاکمیت نظام نقد، هر اندیشه‌ای ناگزیر در برابر اندیشه والاتر از خود رنگ می‌بازد و کنار می‌نشیند. و در نهایت نیز فقط اندیشه‌هایی باقی می‌ماند که عملاً بتواند از آزمون نظام نقد سربلند بیرون بیاید و یا حداقل نمره قبولی بگیرد. یعنی، هرچه جریان آزاداندیشی و حاکمیت نظام نقد در جامعه گسترده‌تر باشد، اندیشه‌های کم‌محتوی‌تر و غیرمنطقی‌تر، از رونق کمتری برخوردار خواهد بود.

از سوی دیگر، چون در عمل حتی پیروان یک اندیشه کاملاً معقول و منطقی و مقبول هم نمی‌توانند یکسان و یک شکل ببینند، پس هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که در آن (علیرغم حاکمیت حتی یک نوع اندیشه) تکثر اندیشه وجود نداشته باشد. چنانکه مثلاً در یک جامعه با حاکمیت اسلام و اکثریت مردم معتقد به اسلام نیز با دیدگاه‌های گوناگونی برخورد داریم که بعضاً به صورتی بسیار جدی با یکدیگر در تضادند، ولی پیروان هر کدام فقط خود را پیرو راستین اسلام به حساب می‌آورند و دیگران را آگاه حتی به چشم کافر می‌نگرند.

در یک جامعه همه افکار و عقاید موجود (حتی اگر منشاء واحد داشته باشد) حالت سوزائیک‌هایی را دارد که برهم سوار است و شکل کلی یک جامعه‌رانی سازد. تا

جایی که حذف تعدادی از سوزائیک‌ها احتمالاً به فروریزی کلیت جامعه می‌انجامد و وحدت ملی را به خطر می‌اندازد. زیرا وحدت ملی به طور معمول فقط زمانی محقق می‌شود که هر یک از لایه‌های اجتماعی بتواند در محیط زندگی برای افکار و دیدگاه‌های خود جایگاهی بیابد و نیز قادر باشد انمکاس صدای خود را در جامعه بشنود.

با توجه به این مطلب، هرگاه در جامعه‌ای عناصر یک گروه تصور کنند که همه حقیقت نزد آنهاست و دیگران را به هیچوجه صاحب حق و آگاه به حقیقت ندانند، آرام آرام پندارهای خود را چنان باور می‌کنند که به نظرشان می‌رسد حتی حق دارند دگراندیشان را خفه کنند. و چون این امر در نهایت به خشونت می‌کشد، نه جانی برای بحث و گفتگو باقی می‌گذارد و

نه مجالتی به گسترش دامنه نظام نقد می‌دهد. چنین جامعه‌ای نه تنها از نظر سیاسی و فرهنگی توسعه نخواهد یافت، بلکه روز بروز بیشتر در مهلکه‌ای فرو خواهد رفت که نهایت آن حاکمیت عناصر مطلق‌اندیش چماق‌دار خواهد بود (طالبان افغانستان، استالینیست‌های شوروی، نازیست‌های آلمان، فاشیست‌های ایتالیا، وهابیون عربستان، بعثی‌های عراق، لیکودیست‌های اسرائیل، خمرهای سرخ کامبوج، و...) تنها عاملی که مانع ظهور چنین پدیده‌هایی خواهد شد، وجود رسانه‌هایی است که صدای لایه‌های مختلف اجتماعی و عقیدتی را منعکس می‌کنند و به چشم و گوش همگان می‌رسانند. آنهم رسانه‌هایی که هم باید غیردولتی و هم فراگیر باشند تا بتوانند ضمن جدی گرفتن

افکار مختلف و بهاء دادن به پدیده تضارب اندیشه‌ها، در تار و پود مصلحت‌اندیشی‌های حکومتی نیز گرفتار نیابند. به عبارت بهتر توسعه سیاسی و فرهنگی در کشوری اتفاق می‌افتد که در آن به تکثر اندیشه ارج نهاده شود و هیچ فرد یا گروهی به دلیل دگراندیشی تحریم و سانسور نشود، حتی اگر اندیشه‌اش صد در صد با اندیشه حکومتی در تضاد باشد. (ولی البته به این شرط که در عمل قصد پرانندازی نظام حاکم یا بر هم زدن اساس استقلال و تمامیت کشور را نداشته باشد).

و اما از کجا باید آغاز کرد؟...

توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی معمولاً یک نقطه مشترک آغازین دارد که آن رشد رسانه‌هاست.

دوره

شرکت صنایع آلومینیوم، تولیدکننده:

- در وپنجره، پارتیشن و نمای آلومینیومی دورال
- پروفیل‌های صنعتی و غیر صنعتی دورال
- سقف کاذب و آکوستیک آلومینیومی دورال (دامپا)

آدرس: تهران - خیابان سید جمال الدین شماره ۹۲
تلفن: ۸۷۱۷۹۶۴ - ۸۷۱۹۰۳۲ فاکس: ۸۷۱۹۶۰۰

دروپنجره و پروفیل آلومینیومی دورال با مهر استاندارد



بخصوص رسانه‌های نوشتاری. و البته رشدی که ضرورتاً بهتر است کیفی باشد تا کمی. به این معنی که: رشد کیفی رسانه‌های نوشتاری، هم نقش عمده در توسعه سیاسی دارد (به دلیل دموکراتیزه کردن فضای سیاسی) و هم در توسعه فرهنگی (به دلیل باز کردن فضای اندیشه).

گرچه پیشرفتهای فرهنگی و سیاسی، ابزارهای خاصی لازم دارد که عمدتاً به جنبه‌های کمی این ابزارها مربوط می‌شود، ولی نباید فراموش کرد که این افزایش کمیّت صرفاً می‌تواند باعث پیشرفت شود، نه توسعه. یعنی تا کیفیت بهتر نشود و فرهنگ استفاده از ابزارها بوجود نیاید، مسأله توسعه نیز محقق نخواهد شد و نتیجه کار جز پیشرفت ظاهری نخواهد بود.

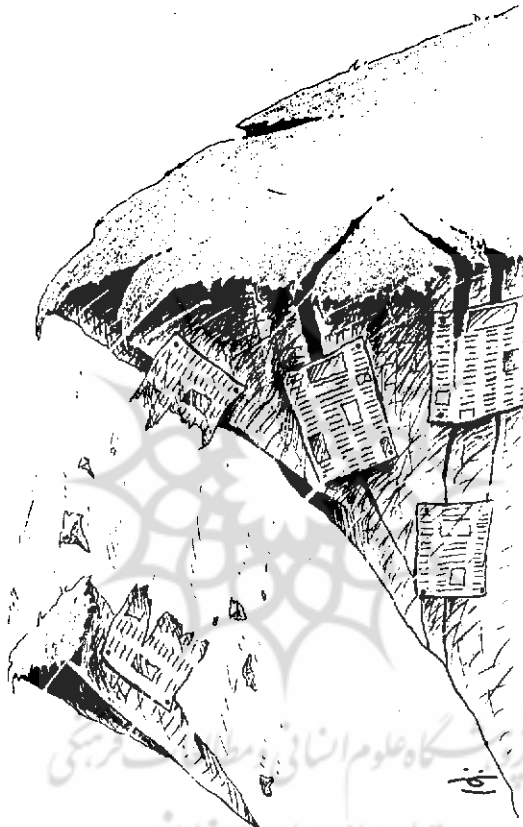
بنابراین، پیشرفت ظاهری رسانه‌ها بسی آنکه فرهنگ بهره‌گیری بهینه از آن بوجود آید، نتیجه مطلوبی به بار نخواهد آورد و چه بسا آثار ناهنجاری نیز در پی داشته باشد. مثل کثرت اسلحه بدون ایجاد فرهنگ نظامی‌گری، که نه تنها قدرت دفاعی و رزمی را افزایش نمی‌دهد، بلکه خطرناک و تباه‌کننده است. یا کثرت اتومبیل در یک شهر، بی‌آنکه فرهنگ رانندگی صحیح بوجود آید هرگز نمی‌تواند باعث استفاده بهینه از اتومبیل شود. به همین دلیل، تبلیغ هنر بدون ایجاد زمینه فرهنگی لازم برای بهره‌گیری از هنر، به تخدیر جامعه می‌انجامد. و یا تبلیغ ورزش بدون ایجاد زمینه‌های فرهنگی لازم، بجای سلامت جامعه باعث باشگاه‌پرستی یا قهرمان پرستی می‌شود.

نقطه آغازین توسعه فرهنگی

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد نمایشگاه و فرهنگسرا و جشنواره و جاززه دادن به هنرمندان و ورزشکاران اگر فقط به قصد نشان دادن پیشرفتهای ظاهری و افزایش کمی ابزارهای فرهنگی باشد، اثر مهمی در توسعه فرهنگی نخواهد داشت.

مگر شاه و فرح نمایشگاه هنری ترتیب نمی‌دادند، مگر آنها به هنرمندان جایزه نمی‌دادند و فرهنگسرا نمی‌ساختند و جشنواره به راه نمی‌انداختند؟ کیست که نداند کار آنها بیشتر جنبه تخدیری داشت و کمتر در جهت توسعه فرهنگی. تشویق ورزشکاران توسط شاه و فرح و نیز ارج نهادن رضا شاه به دانش‌های جدید و

اعزام دانشجویان به خارج کشور را وقتی در برابر اقدام ضد فرهنگی آن پدر و پسر - که تعطیل کردن مطبوعات و گذراندن کتبها از زیر تیغ سانسور بود - بگذاریم، بهتر متوجه می‌شویم که هدف آن دو فقط پیشرفتهای ظاهری بوده است نه توسعه فرهنگی. چرا که رژیم پهلوی فقط می‌خواست نمایش سیاسی و فرهنگی بدهد، وگرنه در آن رژیم نه قدمی در راه دموکراتیزه کردن فضای سیاسی برداشته شد و نه میلی برای باز کردن فضای اندیشه بوجود آمد. و می‌دانیم که این دو



نیز فقط در صورتی امکان‌پذیر است که رسانه‌های نوشتاری رشد کیفی کرده باشد. رشد کیفی که سرشان را بخورد، آن پدر و پسر حتی از رشد کمی مطبوعات و کتاب هم وحشت داشتند. زیرا در مطبوعات چیزی وجود دارد که در سایر ابزارهای فرهنگی نیست. و این چیز دقیقاً نشان دهنده تفاوت بین ابزارهای فرهنگ شفاهی و کتبی است. و می‌دانیم که تمدن بشر هم از زمانی آغاز شد که خط و نوشته بوجود آمد. امروزه هم در یک جامعه هر چه نسبت رسانه‌های نوشتاری به رسانه‌های دیداری و شنیداری بیشتر از واحد باشد ($\frac{S}{V} > 1$) تمدن آن جامعه بیشتر است و هر چه این نسبت کمتر

از واحد باشد ($\frac{S}{V} < 1$) آن جامعه عقب‌مانده تر به حساب می‌آید. تا جایی که اگر صورت کسریه سمت صفر میل کند، جامعه حالت بربریت پیدا خواهد کرد. در عین حال نیز اگر بخواهیم تفاوتی بین تمدن و توسعه پیدا کنیم شاید بتوانیم همان تفاوت بین پیشرفت کیفی و کمی رسانه‌های نوشتاری را به عنوان اصلی‌ترین عامل تفاوت بین تمدن و توسعه در نظر بگیریم. و درست به همین علت است که می‌گوئیم نقطه آغازین توسعه فرهنگی را باید رشد کیفی رسانه‌های نوشتاری بدانیم.

توسعه سیاسی نیز از همین نقطه آغاز شود و رشد کیفی رسانه‌های نوشتاری، توسعه سیاسی را هموار می‌کند. زیرا رجه و فور احزاب، انجمن‌ها، سازمان‌ها و روههای سیاسی، همراه با شرکت اکثر مردم در انواع انتخابات و حضور میلیونی در سحنه‌های گوناگون، همه و همه نشان از بشفرت سیاسی کشور دارد، اما به هیچوجه لیل توسعه سیاسی کشور نیست. زیرا برای موکراتیزه کردن فضای سیاسی کشور، باید مطبوعاتی وجود داشته باشد که به وصف حال عقاید و اندیشه‌های گوناگون سیاسی در جامعه بپردازند و به اندیشه‌های ناب و سازنده و متعالی مجال رویارویی با اندیشه‌هایی را بدهند که فقط ادعای سازندگی و تعالی بخشی و خلوص دارند. یعنی چماق مطلق‌اندیشان خودباور وقتی از کار می‌افتد که مثلث تفکر و تعقل و منطق جای خود را در ذهنیات جامعه باز کند و مثلث زور و زر و تزویر را از جلوه و جلا بیندازد. و این نخواهد شد مگر با رشد کیفی رسانه‌های نوشتاری در یک جامعه و به دنبال آن پدیداری و رشد تضارب آراء و اندیشه‌ها.

قدم اول در راه رشد کیفی رسانه‌های

مکتوب، رشد کمی انتشارات است. ولی انتشاراتی که هم غیر دولتی و هم فراگیر باشد، تا بتواند ضمن جدی گرفتن افکار مختلف و بهاء دادن به پدیده تضارب اندیشه‌ها، در تاروپود مصلحت‌اندیشی‌های حکومتی نیز گرفتار نشود. وگرنه اگر مطبوعات از ترس قطع سوبسید دولتی ناگزیر به قلم‌زدن محافظه کارانه شوند و یا کتبه‌ها را زیر تیغ سانسور مثل کنند، ولو این که تیراژ آنها میلیونی هم باشد، کثرت آنها ارزشی بیشتر از رسانه‌های شنیداری و دیداری نخواهد داشت. مطبوعات دولتی یا دولت‌گرایا دولت ترس، هر قدر هم زیاد باشند، هرگز قدرت ارائه آراء و اندیشه‌های آزاد را ندارند و لذا نمی‌توانند رسالت

خود را در توسعه فرهنگی و سیاسی ایفاء کنند.

وظیفه یک دولت دلسوز این است که هم؛ سایه خود را به عنوان ارباب و آقا بالا سر از سر مطبوعات و انتشارات بردارد، و هم معیار کمک مادی به مطبوعات و انتشارات را به هیچ وجه درجه پیروی آنها از فرامین و علائق دولتیان قرار ندهد. بلکه اصل اول در انتشار مطبوعات را پیروی از قانون بداند، نه سلیقه و دستور مقام‌هایی که

به دلیل وابستگی‌هایشان به این دسته یا آن گروه، هر روز تعریف جدیدی برای «مقبولیت و مطلوبیت و مرغوبیت» و یا احياناً «مشروعیت» ارائه می‌دهند.

عملکرد وزارت ارشاد در مورد رسانه‌های مکتوب کشور طی چند سال اخیر حدیث مفصلی دارد که بهتر است بعدها در فرصت‌های مناسب به آن پرداخته شود. ولی در اینجا فقط باید به ذکر یک نکته بسنده کرد که: اگر یکی از هدف‌های پدیده‌ای که اصطلاحاً آن را «تهاجم فرهنگی» نامیده‌اند، همانا ممانعت از توسعه فرهنگی و سیاسی کشور ما باشد،

چماق مطلق‌اندیشان خودباور وقتی از کار می‌افتد که مثلث تفکر و تعقل و منطق جای خود را در ذهنیات جامعه باز کند.

«تضارب آراء و اندیشه‌ها» باشیم، خود به خوبی نمایانگر این حقیقت است که ما هنوز نتوانسته‌ایم قدم‌های اولیه را در راه توسعه فرهنگی و سیاسی برداریم. زیرا نه در جامعه ما اندیشه‌هایی هیچ مانعی نقد می‌شود و نه فضایی وجود دارد که اندیشه افراد، نه به صورت تعبدی، بلکه از طریق مباحثات نقادانه در رسانه‌ها شکل بگیرد. به همین جهت مردم نمی‌توانند کاملاً تشخیص دهند که کدام اندیشه بر دیگری

رجحان دارد. در اینجا ملاک مردم در گزینش اندیشه، صاحبان آن اندیشه‌اند، نه ماهیت خود اندیشه. و لذا در گزینش‌های سیاسی نیز مردم بین بد و خوب، خوب را انتخاب می‌کنند، نه بین خوب و خوب‌تر. خلاصه این که ما در جریان توسعه سیاسی و فرهنگی فعلاً در جانی قرار داریم که فقط در انتخاب بین «بستون» و «چهل ستون» ماهر شده‌ایم، و اگر هم در جانی «بست ستون» داریم آن را نقش بر آب می‌دانیم و چهل ستونش می‌انگاریم.

نیکر می‌دانیم که امر توسعه فرهنگی و سیاسی کشور پیش نخواهد رفت مگر آن که رسانه‌های نوشتاری رشد داشته باشند (ابتدا به صورت کتبی، آن هم به صورت غیردولتی و فراگیر، و بعد به صورت کیفی) تا بتوانند به پدیده تضارب آراء و اندیشه‌ها، که مهمترین مانع مهاجمین فرهنگی است، جان دهد. حال باید دید که ارگان مهم فرهنگی تبلیغی کشور (وزارت ارشاد) تا چه حد در رشد کتبی مطبوعات و انتشارات غیردولتی فراگیر نقش داشته است؟ و آیا اصولاً قدمی در راه رشد کیفی مطبوعات و کتاب م داشته است یا نه؟

noushin
lahidjan

نشانی: لاهیجان، بلوار انقلاب، کارخانه نوشین فرد، صندوق پستی: ۱۳۳

تلفن: ۳۴۱۲-۱۴۱۲۲ / فاکس: ۳۹۱۵-۱۴۱۲۲

نوشین
لاهیجان

سوغات معروف شمال:

کلوچه نوشین؛

اولین و بهترین